گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۲۰۰۸
پنج شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ ۹:۰۳

یادداشتی از ثریا رایان

باغچه بان موسس اولین کودکستان (باغچه اطفال) و مدرسه ناشنوایان در ایران

هر باغی به یک باغبان و هر باغچه ای به یک باغچه بان نیاز دارد.

به گزارش خبر ، ثریا رایان در یادداشت ارسالی به پایگاه ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛
بیش از یک صد و سی سال پیش در سال ۱۲۶۴ میرزا جبار عسگر زاده معروف به جبار باغچه بان بنیانگذار نخستین کودکستان و نخستین مدرسه ناشنوایان در ایران در پایتخت ارمنستان در شهر ایروان بدنیا امد. اجداد وی از اهالی تبریز بودند .پدرش عسگر در ایروان به کارهای معماری، مجسمه سازی و قتادی می پرداخت. باغچه بان در سال ۱۲۹۰ کار روزنامه نگاری را که خیلی به ان دلبستگی داشت اغازکرد و به همکاری با روزنامه قفقاز و نوشتن مطالب فکاهی و سرودن اشعار طنز برای روزنامه ملا نصرالدین پرداخت.

او در سال ۱۲۹۸ به سرزمین نیاکان خود بازگشت و به عنوان اموزگار در مدرسه احمدیه مرند به کار مشغول شد. دیری نگذشت که نحوه اموزش و روش ابتکاری وی در تبریز جلب توجه کرد و به دعوت رئیس فرهنگ اذربایجان به تبریز رفت و نخستین کودکستان را به نام باغچه اطفال در تبریز تاسیس کرد. میرزا عسگر جبارزاده معروف به باغچه بان اعتقاد داشت هر باغی به یک باغبان و هر باغچه ای به یک باغچه بان نیاز دارد.

در سال ۱۳۰۵ با توجه به سه کودک ناشنوایی که در کلاس او میان شاگردانش بودند کلاس مخصوص ناشنوایان و کسانی که مشکل تکلم داشتند تاسیس کرد. در سال ۱۳۰۷ به درخواست رئیس فرهنگ فارس به شیراز رفت و کودکستانی در این شهر بنیاد نهاد. بعد از ۵ سال خدمت در انجا به تهران امد و در سال ۱۳۱۲ با تاسیس اولین مدرسه، رسما به تعلیم و تربیت کودکان کر و لال پرداخت. در همین سال بود برای ارتقاء یادگیری شاگردان خود تلفن گنگ یا سمعک استخوانی را اختراع کرد و به ثبت رساند.

همچنین در سال ۱۳۱۴ از سوی وزارت فرهنگ دستور تعلیم الفبای او که امروزه به روش باغچه بان معروف است منتشر شد. از این روش هنوز در کلاسهای دبستانی و سواد اموزی بزرگسالان استفاه می شود. یکی از کتابهای او به عنوان "بابا برفی" توسط کانون پرورش فکری کودکان به چاپ رسید و شورای جهانی کودک ان را به عنوان بهترین کتاب کودک انتخاب کرد. باغچه بان در ۴ اذر ۱۳۴۵ در تهران درگذشت.

ثمین باغچه بان فرزند ارشد او همچون خودش به شخصیتی تاثیر گذار در عرصه موسیقی ایران به خصوص در زمینه موسیقی به کودکان بدل شد. ثمین باغچه بان در سال ۱۳۰۴ در تبریز به دنیا امد. کودکی خود را در شیراز گذراند و در هفت سالگی با خانواده به تهران امد و تحصیلاتش را اغازکرد. ثمین به پیانو علاقه فراوانی داشت ولی به علت عدم توانایی مالی خانواده برای تهیه پیانو و از انجاییکه مادرش ویلن داشت مجبور به یادگیری ویلن شد .

عبدالحمید اشراق دوست نزدیک باغچه بان و سردبیر مجله موزیک ایران در دهه ۳۰ خورشیدی در ایران، درباره او می گوید : ثمین باغچه بان سعی می کرد در کارهایش نوگرایی ایجاد کند. اگر شما «لالایی» یا «دو زلفونت» را بشنوید می دانید که جایگاه خاصی در فرهنگ موسیقی ایران دارد. یکی دیگر از شاهکارهای ثمین این بود که برای موسیقی برای مصرع های رباعیات، قالبی درست کرد. یعنی برای هر مصرعی، یک قالب موسیقی خاص درست کرد که هم با ریتم هم با وزن و هم با شعر، همخوانی کند و مأنوس باشد. آن چیزی که شنوندگان را به دقت بیشتر در شنیدن کارهای او مجبور می کرد، تیترهایی بود که انتخاب می کرد و سعی می کرد این تیترها را با به کار بردن نت های زینت، تم و گام به شنونده عرضه کند. به عنوان مثال در کارهایی مانند «دوره گرد» یا «تو رو می خوام» و «تار گسسته» فکر می کرد، چگونه این نت ها را با هم ترکیب کند که بتوانند جوابگوی کلمه «دوره گرد» یا کلمه «تو رو می خوام» یا کلمه «تار گسسته» باشد و در تمام این کارها نیز موفق بود.

ثمین باغچه بان کتابی در مورد خاطرات پدرش به نام چهرهایی از پدرم تالیف کرد. همچنین در اخرین سالهای زندگی اش یکی از مشهورترین اثار او به نام رنگین کمان شکل گرفت این قطعه با ارکستر سمفونی رادیو وین ضبط و منتشر شد . نسلی از کودکان ایرانی ان زمان با این البوم بزرگ شدند و هنوز بسیاری از مراکز تدریس موسیقی در ایران از این البوم استفاده می کنند. کتاب "نوروزها" و "بادبادکها" از دیگر اثار ثمین باغچه بان هستند که به عنوان برترین کتاب کودک در سال ۱۳۵۳ انتخاب شدند. قسمتی از اشعار وی را می خوانیم.

با کاغذ ونی و چوپ کشتی می سازم

اسم ایرانم را روی کشتی ام می زارم

هوا طوفانی شد و کشتی ام تو راهه

ساحلش دور وراهش گرداب و چاهه

کنده شده دکل و پرچم و برجش

بیا کشتی ام رو چوبت خاتم بنشونم

رو دیوارت نگین و مینا بنشونم

بیا خم بادبونت ببندم از نو

بنشونمت روی موج و دریا و رود